

هو العليم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ بِهِ نَسْتَعِیْنُ
ای بنام تو افتتاح کلام • از ثنابت زبان رسیده بکام
هست ذات و صفات تو ازلی • صانع لایزال و لم یزل
صنعت آرد برون ز درج دهن • ابن هدهد آرد از سخن
که نشاند تکلیف لعل زبان • جز تو در خاتم عقیق دهان
متکلم بجز و صوت نه • قابل انقلاب و فوت نه
بی نهایت ز تو درود و سلام • باد بر روح انبیای عظام
خاصد بر روح پاک صدر رسل • سر و خلق و رهنای سبیل

فِنِعْمَتِ النَّبِیِّ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

اسد رسل آن گزین دو کون • حارس دین حق بیازوی عون
عندلیب حدیقه ما ز اغ • انبیار اتمام چشم و چراغ
بلبل بوستان ما او حی • طوطی آشیان او اذنی
معجز او کتاب لاریبیت • که حروفش بری زهر عیبست
ای امرک مثال اغزازت • انا افصح بیان اجمازت
توجوماهی و پیروان چو نجوم • هر یکی کوهی ز بحر علوم
ای ز روح روان ایشان شاد • آفرین بر تو و بر ایشان باد

در بیان ترتیب ترتیب و تعریب حروف و اعداد آن و اختلاف آن در شمار حروف

ای نواساز برده ترتیب ^{و تقسیم کتاب} راست آهنگ باش در ترتیب
 که ادای حروف و حفظ و قوف کرد تعبیر از آن رسول رؤف
 پس بحکم حدیث اگر خواهی که در ترتیب یابی آگاهی
 مخارج حرفها تمام بدان با اختلافی که کرده اند بیان
 که قرآت بنمود آن طرفی که نداند ادای هر حرف
 حرف صوتیت میداش زریده که بود بر بخارجش تسکینه
 کم کن از لام الف که تعداد نابدانی حروف را اعداد
 پس میان ائمه اطراف در شمار مخارجست خلاف
 زمره گفته اند از اهل وقوف که سه مخارج به تمام حروف
 باز قوی که اهل اتقانند مخارج جلد هشت میدانند
 باز گویند جمعی از قسرا که جدا مخارجست هر یک را
 لیک آنگاه در ادا سموند مخارج جلد شانزده شمرند
 و بن روایت صحیح و معتبر است و زهد قولها گزیده تر است
 چون حدیث از نجاه اهل ادا روح الله روحم ابدا
 در صفات حروف و مخارج آن قول بسیار کرده اند بیان
 که بنام شرح آن اقدام نشود در مطولات تمام
 لیک در اختصار کوشیدم راه تطویل در نور دیدم
 زان روایات هر چه بود مبین کرد من نظم همجو در ثبوت

کرد نامش خلاصه الترتیل **ه** فی اداء الحروف للتزئیل

دو بیان قسمت دندانها

پیش از آن کاین عروس جمله جان **ه** بکتابد زرخ نقاب بیان
 قسمت عقد در دندانها **ه** بشنو وضبط کن نگو آنرا
 چار قسمت سر سیر دندان **ه** هدر در شمار سی و دو دان
 چار بپسین دو زبر و دو زنبه آن ثنا یا ست این حمیده سیر
 بازش از هر طرف یکی بیقین **ه** زیر و بالا رباعیات کزین
 چار دیگر بدین سنن دریاب **ه** پس از آن چار نام آن انیاب
 باقیش بیست دان که هست اضراس **ه** باز اضراس را سه صنف شناس
 اول ضرس زبری و زیرینی **ه** از دو جانب ضواصل است یقین
 پس طواحن ز هر طرف شش دان **ه** سه ز بالا و سه ز زیر شمار
 پس نواجذ چهار دان دیگر **ه** از دو جانب دو زبر و دو زنبه
 لیک بنیند بعضی افسانرا **ه** که نواجذ نیا شد ایشان را
 پس مر آن بعضی را برین تقدیر **ه** چار دندان زسی و دو کم گیر

دو بیان مخارج هر دندان از هر جهت

گاه آنست کز طریق یقین **ه** مخرج حرفها کتم تعبیه
 و ز برای زیادتق و ضوح **ه** گویمت قول هر کسی مشروح
 ز آنچه دانم خلاصه اقوال **ه** عاری از ضعف و خالی از اضلال
 بشنوا آی سالك ره تحقیق **ه** قول این فرقه از جلی و د قیق



نزد اکثر محققان جهان **ه** حرف حلقی شش از سه مخرج دان
 هست از اقصای خلق هر ه و هاء **ه** عین دان از میانده اش با حاء
 ز اخرش عین و خاشمش بقیقین **ه** لبك بعضی زلاویان کزین
 می شمارند حرف حلقی هفت **ه** الف و شش که ذکر امیثانه رفت
 نزد اینها که حلقیتش خوانند **ه** مخرجش مثل هر دوها دانند
 قوم اول که غیر شش نارند **ه** مخرج آن هوای فم دانند
 لیکن از اینمذهب بهتر **ه** زیرها از هوای حلق شمر

در بیان حروف لهویة

از لهاتت قاف و کاف بدان **ه** تا کم معنی لهاتت بیان
 آنکه او را ملازمه بخوانی **ه** آن لهاتت اگر نمیدان
 اول آن ز حلق غلصمة دان **ه** عکده آخرش ز سوی دهان
 قاف را غلصمی شمر بقیقین **ه** عکدی را تو حرف کاف کزین
 که چه هر يك ز مخرجی آید **ه** لهوی شان توان که بسنا بند

در بیان حروف شجریه

مخرج باوشین و جیم زین **ه** بشنوننا بگویمت روشن
 این سه حرفت از میان زبان **ه** و ز محاذی آن ز سقف دهان
 در روایت چنانچه مشهور است **ه** شجری این سه حرف مذکور است
 چون کشا بند کام زیر و زیر **ه** آن میانرا نهند نام شجری
 ضادم ضرسی است و هم حاق **ه** مخرج او بگویمت و افی

از کنار زبانش کبر قیاسی **ه** و آنچه نزدیک او بود زاضراس
خواهی از چپ بگوی خواه از راست **ه** اختیار اندرین میانند تراست
انچه از ضرس و حافه می آید **ه** نسبت او بهر دو می شناید
معنی حافه جانب است و کنار **ه** ضرس دندان آسیا بنامند

در بیان حروف لغویه ابتدا از حرف لام

از کنار زبان و کام زبر **ه** از دو جانب مقولام شمر
پس بر آدم ز کام چند است **ه** که فوئق چهار دندان است
اولش ضاحکت و دیگر ناب **ه** ستومیش رباعیه در یاب
چارم آن نثیه دان تحقیق **ه** روشش کفم ارچه بود دقیق

در بیان حرف نون

نون بود از سر زبان و دکی **ه** بن دندانهای پیش ز پس

در بیان حرف ر

مخرج را خریب نون میدان **ه** لیک داخل بوده به پشت زبان
زان به پشت زبان بود داخل **ه** که سوی لام باشد آن ما یل
مخرجش نزدیک دیگر **ه** خود ز پشت زبان بود یکس
بر بعضی ز سره قسرا **ه** دارد این هر سه حرف یک مخرج
که بود آن سر زبان و دکی **ه** بن دندانهای پیش ز بر
پیش آن بعضی برین نقدین **ه** مخرج حرفها چهارده کیس
لغوی اندرین سه نزد عرب **ه** ذلقی نیز نشان نهند لقب
لندان جای رستن دندان **ه** پس ذلقی چیست نیز نای زبان

چون ذلق نیز و ذوق امدهم **ه** ذوقی شان بخوان که شایدم

در بیان حروف نطقیه

مخرج طاو تا و دال تمام **ه** یادگیری یکانه ایام
این سه چون از سر زبان آید **ه** لیک بشنو که بر چه سانه آید
چون زبانهای بد انائی **ه** بر دو دندان پیش بالائی
شود از نطق و بیخ دندانته **ه** این سه حرف کزین بفرمانت
نطق دانی چه باشد ای رهبر **ه** آن شکنهای کام دان ز زب
نطقی این هر سه را ازین خوانند **ه** که خروجی نطق میدانند

در بیان حروف ذلقیه

مخرج ذال و ظا و ثا شناس **ه** از ره نقل بر سبیل قیاس
این سه از تیزی دو دندانند **ه** که تنایای فو قعیس خوانند
آن دو بر تیزی زبان چونی **ه** داد این هر سه حرف را بدهی
اندکی از سر زبان باید **ه** کز تنایا هینی برون آید
ذلقی این سه حرف را داشته **ه** لغوی نیز نشان همی خوانند

در بیان حروف استلیه

مخرج صاد و سین و زاز آسان **ه** کاهل این علم کرده اند بیان
هست باریکی زبان و دگر **ه** سر دندانهای پیش زب
در تلفظ بدین سه حرف زبان **ه** منفصل باید از سر دندان
زانکه این فرجه که مشروطست **ه** مخرج این سه حرف مضبوطست
راویان کتاب لم بنی **ه** گفته اند این سه حرف را استلی

کتاب
مؤلفه

در لغت نزد زمره نقله ه است باریکی زبان اسکه
در بیان هر حرف شقوبه ابتدا از حرف تا

از رز چون سر و دندان را کز ثنا یا شمرده ام آن را
بر درون لب نشیب نهی در ادا حق حرف فایده
در بیان هر حرف شقوبه

هر يك از او و یا و میم بدان کز میان دو لب شوند عیان
لیك دارند ازین میان هر يك در تلفظ تفاوتی اندك
زین سه در حرف واو کاه مقال لب مند بر هم ای ^{خصل}خمسند
وز کوان تا کران لب ز برون جای میم است و جای باز درون
شفوی چهار حرف ناید پیش این سه وفا که گفته شد زین پیش
در لغت معنی شقه لب دان شفوی نیز شان بخوان که توان

در بیان مخارج خیشومی که از آن فرج فرعی گویند

هست خیشوم مخرجی دیگر لیک فرعی شمارش ای رهبر
اندر دهن دماغ دان خیشوم غنّه صوتی کتر و شود مفهوم
میم و نون از حرف غنّه شمار با سکون لیک هر دو بی الهمار
که چه هم غنوی بود تنوین فرج نون سکون است یقین

در بیان صفات حرف ابتدا از حرف مجبور

چون مخارج تام شد مجموع خواهم اندر صفات کرد شروع
نوزده از حرف مجبور که درین هفت لفظ مذکور است
ظَلُّ قَوْرَبِضْ مُطْبِعٌ و دگر اذْ غَرَّ اجْنَدَانٌ هُنَّ بَرُورٌ

نوزده حرف
موسسه کتابخانه

دربیان حروف مغموسه

حرف مغموسه ده شمار ملام **ه** در حشت کسف شخصه بتام

دربیان حروف شدید

حرفهای شدید هشت شمار **ه** در اجده کقطب جمله بیان

دربیان حروف رخوه

نمره ناقلان بقدر و قوف **ه** رخوبرا شانزده نهند حروف
حظه ضوؤ شست صیف دان **ه** خاص غتر شمر تالی آن

بنی التذید والترخوه

دربیان شدید و رخوه **ه** باختلاف جمع از اخوه
شاطبی کین ره کزیده سپرد **ه** عین و رامیم و نون و لام شمر
لیک بعضی زراویان کزین **ه** و اوالف یا کرفته اند ازین

دربیان حروف مطبقة

کندانی حروف مطبقة را **ه** چار حرف است آن بر شرا
صاد و طاضاد و طائت آن چار **ه** منفعت ضد آن بود تا چار

دربیان حروف استعلا

هست قظ خصض صغط استعلا **ه** مستقل ضد آن شمار اصلا

دربیان حروف صغیر و متضاد

سین و صاد ست و ز حروف صغیر **ه** نیم و شین نا و را نقشی کین
لیک شیخ آنکه داد معنی داد **ه** متضاد غیر سین نهاد

دربیان حروف قلقله

نز دروشن دلان معنی سنج **ه** شد معین حروف قلقله پنج
قطب جد شمر تمامت آن **ه** ساکنه ضد قلقله است بدان
دربیان حروف مستطیل و منحرف و مکرر و طوای

ضاد را مستطیل بگویند **ه** لام را منحرف می دانند
را مکرر بوصف و منحرف است **ه** حرف های یقین بدان کالف است

در ختم کتاب و مدد ابیات و تاریخ آن

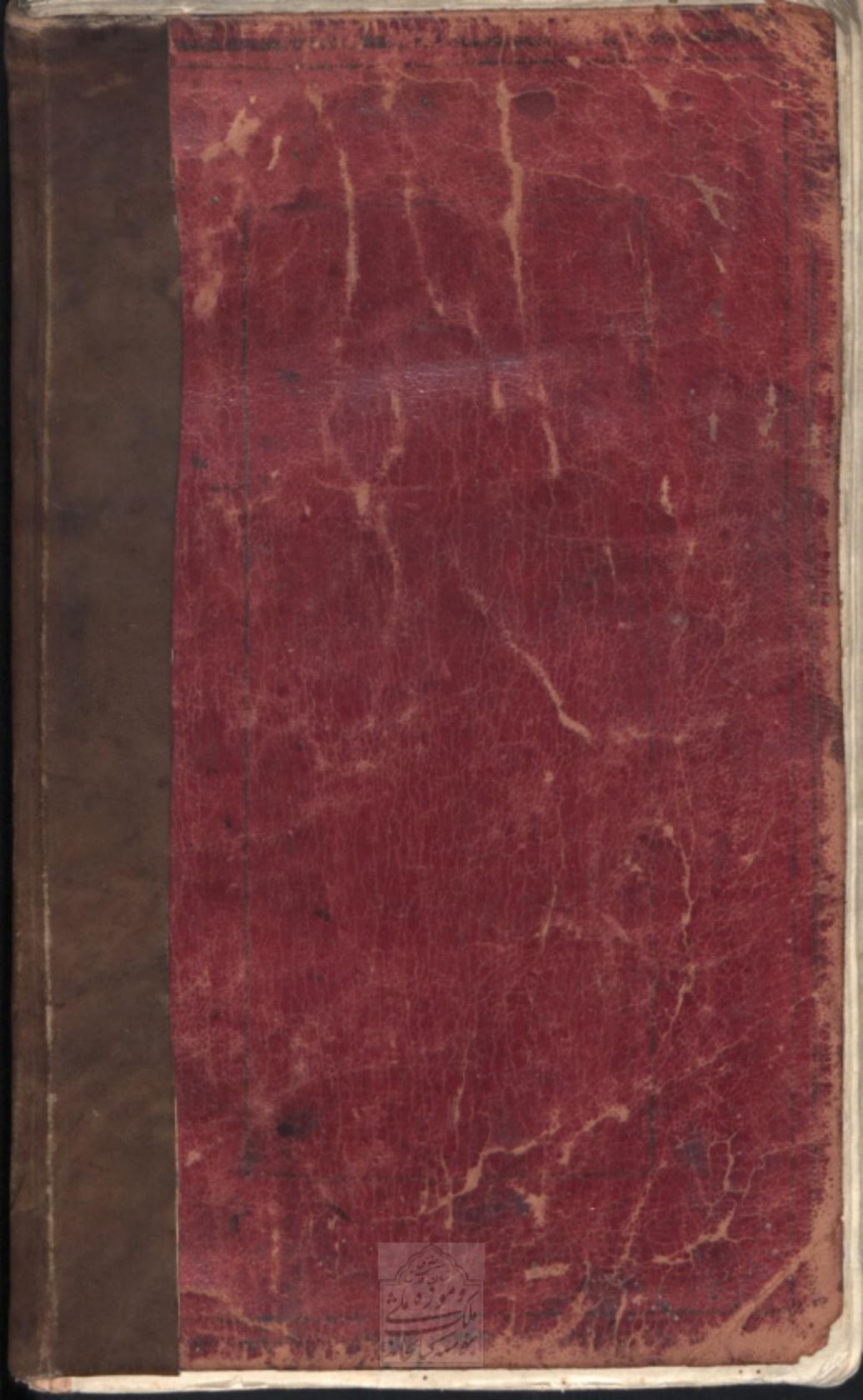
مؤسسه کتابخانه

در بیان مخارج این ایبات • گفتند با صفات مشهور
 سعی کردم بیاری توفیق • تا رسیدم بگلشن تحقیق
 پس بچیدم بقدر رتبه خویش • این گل از بوستان فکر خویش
 که بر اوراق این گل نو بر • یابی از خار اختلال اثر
 که چه رسم است طارو کل با هم • با صلاح آورش بنوک قلم
 عود عقد این در شهوار • صد و جل آمد از طریق شمار
 هر را جوهری فکر متین • کرده در سال هشتاد و سه گزین
 ای که نوباوه درخت سخن • چینی از بوستان فکر تین

گو غزنی چهار غفران یاد
 ناظم این رساله ابن عماد



۱۳۵۱



کتابخانه
موزه و مرکز اسناد
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران